

زن در عصر اوستا

استاد هاشم رضی

مقام زن چه در عصر اوستایی و زمان زرتشت و چه پیش از او در جوامع ایرانی محترم و با ارزش بوده است. البته با ظهور زرتشت و اصلاحات او، چنان که از اوستا و قسمت های متقدم آن بر می آید، چون اموری دیگر، مقام زن نیز مورد اصول اصلاحی مصلح و پیامبر قرار گرفت.

زن نیز دارای حقوقی بود مساوی با حقوق مرد و در جامعه به همان اندازه بی می توانست موثر واقع باشد که یک مرد می توانست منشأ اثر باشد. اراده زنان و دوشیزگان چه تا آن هنگامی که در خانه پدری بودند و چه هنگامی که شوهر کرده و به خانه شوهر می رفتند، استقلال داشت و قادر بود تا از روی خرد و درک، واقعیت و حقانیت خود را به ثبوت رسانیده و تحمیل کند. پیش از این در کتابی دیگر، در باره وضع زنان پیش از زرتشت پژوهشی ارائه شده است و در این جا مدار تحقیق تنها مربوط است به موقعیت زنان در عصر زرتشت.

البته بر اثر عوامل و علل بسیار، پس از زرتشت، به ویژه در زمان ساسانیان که همه چیز رو به انحطاط رفت، مقام اجتماعی زنان و حقوقشان نیز دستخوش این انحطاط شد و متأسفانه زنان، دیگر از آن حقوق اولیه و آزادی و مقام اجتماعی بهره بی نداشتند و حقوق زن و مقام اجتماعی اش در ایران باستان از روی مدارکی برای ما باقی مانده که از ادبیات پهلوی دست یاب گشته است. اما با این حال باز هم از خلال همین میراث دوران انحطاط، حقوق زن و آزادی و مقامش را که نتیجه تأثیر بقایای عصر اوستایی است ملاحظه می

ایران زمین

کنیم.

در زمانی که در یونان باستان، روم، چین، سومر، و بابل، هند، مصر و میان قوم یهود، زنان از حقوق اجتماعی بی بهره بودند و در خانواده و اجتماع حقوقی نداشتند و تا حد قابل ملاحظه‌ی بی‌مادون مردان بودند، در ایران عصر اوستا، ملاحظه می‌کنیم که مردان و زنان شانه به شانه هم از همه حقوق و شئون اجتماعی یکسان برخوردارند. فضیلت و درستی و راست‌پنداری است که افراد را از هم متمایز می‌سازد. همه مردان و زنان درست‌اندیشه، کوشا، نیک‌کردار و آزاده در یک مقام و موقعیت اجتماعی قرار دارند زشت‌کرداری، تنبلی، بدخیمی و راهزنی است که ملاک بی‌حقوقی در اجتماع و طرد افراد می‌شود، حال خواه این بدراهان زنان باشند یا مردان – تفاوتی نمی‌کند.

در یونان باستان که مهد تمدن و آزادی بشریش خوانده‌اند، زن هیچ مقام و موقعیتی نداشت. در خانه پدر و پس از آن در خانه شوهر چون بنده و کنیزی بود. پدر به هنگام شوهر دادنش رأی و خواست او را در نظر نمی‌گرفت و اصولاً هیچ دوشیزه‌ی بی‌حق مداخله در سرنوشت خود را نداشت، صاحب اراده نبود آرای پدر و یا شوهران برای دختران و زنان اعم از خوب و بد حتمی‌الاجرا بود. در هندوستان و یونان و بسیاری دیگر از سرزمین‌ها و ملت‌ها نیز چنین رسمی شیوع داشت. اما با توجه به قسمت بسیار جالب توجهی که در گاتاها یا سرودهای زرتشت برای ما به یادگار مانده، و یکی از کهن‌ترین سرودهای پیامبر است، ما با وضوح و روشنی به عقاید وی در باره ازدواج و آزادی اراده دوشیزگان در انتخاب شوهر پی می‌بریم و آگاه می‌شویم که در عصر اوستا، آموزش‌های زرتشت برای زنان تا چه حد مثمر‌شمر بوده و در تأیید این قسمت کهن، در اوستا نظایر بسیاری می‌توان یافت که زنان و

ایران زمین

مردان از مساواتی عملی برخوردار بوده اند. موضوع یسنا، هات پنجاه و سوم، عروسی دختر زرتشت است در این مجلس عروسی، خطابه یی بسیار جالب برای گروه شنوندگان و خطاب به پسران و دختران ایراد می کند که با ترجمه آزاد نقل می شود. زرتشت می گوید:

بزرگ ترین راه و پاکیزه ترین روش زندگی در راست کرداری، راست گفتاری و راست اندیشگی است. خداوند به من که زرتشت هستم زندگی و نام جاودانی بخشید، چون از این فروزه های مزدا داده پیروی کردم و به همه کسانی نیز که گفتار، کردار و اندیشه نیک را پیروی کنند، این چنین هدیه یی بخشوده خواهد شد.

برای جلب رضایت خداوند، لازم است با رضا و رغبت و برای نفس نیکی و خوبی - اندیشه، گفتار و کردار نیک را سرمشق زندگی قرار داد، چون عبادت و ستایش خداوند جز از این راه، یعنی پیروی کردن با خواست و میل فردی از نیک کرداری، نیک گفتاری و نیک اندیشگی میسر نیست، و برای تحقق همین اصل است که کی گشتاسب و پسر زرتشت سپنتمان برای انتشار آیین مزدایی مرا یاری می کنند.

این مقدمه یی بود بر یسنا، هات پنجاه و سوم که پس از آن زرتشت جوان ترین دختر خود را در مجلس عروسی مخاطب قرار می دهد. پدر برای دخترش شوهری انتخاب کرده که در منش و کنش بی بدیل است، اما با این وصف به هیچ وجه تمایل ندارد تا دخترش بدون اندیشه و تأمل رأی او را بپذیرد و گفتارش چنین است:

اینک تو ای پوروچیستا که از دودمان سپنتمان و جوان ترین دختر زرتشت هستی، من از روی پاک و راستی و نیک منشی، جاماسب را که از راست

ایران زمین

کرداران و پشتیبانان آیین راستی است جهت همسری تو برگزیده ام. پس اکنون برو و در این باره بیندیش و خردت را راهنما قرار داده و پس از موافقت به اجرای مراسم مقدس ازدواج بپرداز.

جاماسپ در این مجلس نیز به سخن آمده و می گوید: با راستی و درستی، پوروچیستای جوان را آن سان به راه حقیقی زندگی، در پرتو آیین تعلیم دهم که نسبت به پدر و شوهر و برزیگران و همه مردم دیگر وظیفه شناس و خدمت گزار باشد که خداوند در پرتو خدمت به مردم، بهترین پاداش ها را نصیب وی کند.

پس زرتشت دوباره در این مجلس به سخن می آید و برای حاضران به ویژه پسران و دختران جوان خطابه یی ایراد می کند: ای دختران و ای پسران جوان که در آستانه زندگی زناشویی قرار گرفته اید، اینک آگاهتان می سازم و پندم را به خاطر نقش کنید و از یاد مبرید. با کوشش و همت در زندگی از طریق راستی ره سپر باشید. هریک از شما باید در کردار و گفتار و اندیشه نیک از دیگری پیشی جوید. پندتان می دهم تا سالک این طریق باشید و هریک در زندگی رفتاری پیشه کنید تا آن دیگری خوش و خرم باشد.

در گاتاها، چند جای دیگر نیز اشاره یی است به آزادی زنان و محترم بودن حقوق شان و برخورداری آنان از حق رأی و حفظ اراده. چنانکه در بخش های گذشته ملاحظه شد، در آیین زرتشت اصل اختیار آدمی مقدس و قابل احترام است. چنانکه در پژوهش های پیشین گذشت، یکی از مقوله های مهم در نوآوری های زرتشت، حل مسأله شر و اصالت اختیار در افراد است. خیر و شر از مضافات ماده هستند و هنگامی که زندگی از صورت مینوی و روحانی به کالبد مادی در آمد، اهورامزدا خطاب کرد که در جهان مادی، هم خیر

ایران زمین

هست و هم شر، و ما به شما اراده اختیار و گزینش عطا کردیم تا با خرد خود و از روی اندیشه درست، راه نیک را برگزینید تا رستگار و نیک فرجام شوید. در آیین مزدایی، مسأله پرستش توسعه و شمولی کلی دارد، هرچیزی که نیک، مفید، سودبخش و کارآمد است قابل احترام و ستایش می باشد و این دینی است که آیین مزدایی به بهترین وجهی به طبیعت نیک و زندگی ساز و آسایش بخش بشری ادا کرده است. در سراسر اوستا بارها می خوانیم که: ما می ستاییم همه آبهای پاکیزه را، همه چارپایان سود رسان را، همه گیاهان و نباتات مزدا آفریده را، آسمان نیلگون و ابرهای باران زا را. خورشید درخشان و زندگی بخش را، کوه های عظیم و دشت های سبز و مرغزارهای زیبا را. رودها و دریاها را، مردان نیک را، همه اعمال انسانی و مفید و کردار و رفتار شایسته را، آتش مفید و زمین را که مهد زندگی است و . . . و به همین نسبت همه زشتی ها، بدی ها، عناصر ناسودمند و چیزهای مضر و زیان بخش دشمن داشته شده و مورد لعن و پرهیز قرار گرفته اند:

«از برای پنج چیز هستم، از برای پنج چیز نیستم: از برای اندیشه نیک هستم از برای اندیشه زشت نیستم. از برای گفتار نیک هستم از برای گفتار زشت نیستم. از برای کردار نیک هستم از برای کردار زشت نیستم. از برای فرمانبرداری (در طریق) نیکی هستم. از برای نافرمانی نیستم. از برای راستی هستم از برای دروغ نیستم.» (یسنا هات ۱۰ بند ۱۶)

به همین جهت است که زندگی دو قطب دارد و این دو قطب در همه جا و همه چیز ساری است. آدمی بایستی با تمام نیرو پیرو راستی باشد و در راه نیکی سالک گردد. کسانی پیروز و رستگارند که راستی را برگزینند و در انتخاب راستی از اراده و اختیار تام خود برخوردارند. چه زنان و چه مردان.

ایران زمین

در همه جا از زنان و مردان هم‌ردیف و یکسان یاد شده است: «با گوش‌هایتان بهترین سخنان را بشنوید، با اندیشه‌ی روشن در آنها بنگرید، زن و مرد باید خودشان راه خود را برگزینند، با این روش شایسته آموزش‌هایم را همی بشناسید.» (یسنا هات ۳۰ بند۲)

در تمام بخش‌های متقدم اوستا، نام زنان و مردان نیک‌روش و پارسا در ردیف هم آمده است و به همان نسبت، زنان و مردان بد راه و معاند راستی نیز با هم نکوهش شده‌اند. در جایی درخواست یاری و یآوری می‌شود از برای تمام آن کسانی که پیرو راستی هستند، از برای زنان و مردان و دختران و پسران و برزیگران . . . در راه تبلیغ نیکی و پراکندن راه و روش درست زندگی. تنها مردان وظیفه ندارند، بلکه زنان نیز موظفند. در اجتماع هم زنان مسئولند و هم مردان، چون در موقعیت اجتماعی، حقوقی و مقام در یک طرازند:

«آن چه را که مرد یا زنی دانست که درست و نیک است، آنگاه باید آن را به کار بندد و دیگران را نیز بیاگاهاند تا آن را به کار بندید، آن چنانکه هست.» (یسنا هات ۳۵ بند۶)

چنانکه اشاره شد، محک سنجش و داوری در باره مردان و زنان یک چیز است و آن راستی است. کسانی که در راه راستی و پاکی پایمردی کرده و کوشا باشند اعم از زنان و مردان قابل ستایش هستند و این چنین مردان و این چنین زنان را می‌ستاییم. این روشنی و وضوح با تأکید و صراحت تکرار می‌شود. در آن اجتماع دهقانی کهن روزگار که شور و جنبش زندگی همه را فرا گرفته بود، می‌توانیم ملاحظه کنیم که زنان چگونه دوشادوش مردان کار می‌کردند، تبلیغ می‌کردند، در صف رزمندگان بر علیه راهزنان و مخالفان

ایران زمین

شهرنشینی و تمدن کشاورزی می جنگیدند و هرگاه شایستگی بیشتری نشان می دادند، مقام شان از مردان نیز بالاتر می رفت. در اوستا فروهرهای مردان و زنان پارسا ستوده می شوند، در کنار هم و شانه به شانه. در کنایه یی بسیار لطیف و عالی که ذوق و نیروی کنایه آمیز شاعرانه یی را نشان می دهد، زنان و زمین ستوده شده اند. زنان که بارور می شوند و کودکانی که می آورند تا نسل راستی اندیشان انبوه شود و زمین که بارور می شود و فرآورده هایی که زندگی زندگان را دوام و قوام می بخشد:

«ایدون این زمین، زمینی که ما را در برگرفته و این زنان را نیز می ستاییم – و آن زنانی را که راه تو را پویانند ای اهورامزدا و از راستی برگزیده برخوردارند ما می ستاییم.» (یسنا هات ۳۵ بند ۲ و هات ۳۷ بند ۳)

ستایش نیکی و همه عناصر شایسته و سودرسان و افراد نیک و سالک طریق راستی در اوستا، حماسه یی است که از تکرارش ملالی بر خاطر نمی آید. همه مردان و زنانی قابل ستایش هستند که ره سپر طریق حقیقت و اشاعه گر آن باشند. برای ستایش این چنین مردان و زنانی، جا و مکان، ملیت و قومیت، بیگانه بودن یا خودی بودن مفهومی ندارد، چون نیکی و حقیقت است که قابل ستایش و تعظیم و بزرگداشت است، نه ملیت و قومیت و این که آن فرد در کجا زاده شده باشد:

« . . . اینک روان های مردان و زنان پاک را، در هرجایی که زاییده شده باشند می ستاییم، آنانی که نهادشان از برای پیروزی (راستی) می کوشد و خواهد کوشید و کوشیده است.» (یسنا هات ۳۹ بند ۲)

« . . . روان های مردان و زنان پارسا را در هرجایی که زاده شده باشند و که وجدان نیک شان از راستی برخوردار باشد یا برخوردار خواهد بود یا برخوردار

ایران زمین

بوده است می ستاییم.» (فروردین یشت بند ۱۵۴)

نه در جهان مادی، بلکه در جهان مینوی نیز آرزوی مزدیسنان آن است تا این هم آهنگی، همدیفی و مساوات برقرار باشد. (یسنا هات ۴۱ بند ۲) جرم و گناه چه در باره زن و چه در باره مرد یکسان است. هم چنانکه مردان گناهکار شماتت و ملامت شده اند، زنان گناهکار نیز به لعن و نفرین گرفتارند. (یسنا هات ۵۸ بند ۱۵ و هات ۶۱ بند ۳)

سرانجام قابل تذکر است که این تکرار و تأکید هم چنان ادامه پیدا می کند. جایی که فروهرهای پاکان ستوده می شود، فروهر دوشیزگان و خدمتکاران، از هر خان و مانی نیز ستوده می شود و این نشان احترام و اعتقادی است عمیق و راسخ به راست اندیشی و آیینی که در برقراری اصول انسانی کوشید و در وهله نخست پیروز نیز شد. در سراسر فروردین یشت نام زنان و مردان پارسا و گروه راست گرایان با هم یاد می شود و یکسان ستوده می شوند و از مزایای یکسان برخوردارند. در آبان یشت که حماسه ستایش زنان و ارزش آنان در اجتماع است، مفاهیمی بسیار جالب توجه می یابیم.

چنان که ملاحظه شد، زن در عصر اوستا در اجتماع وزنه یی قابل تقدیر به شمار می رفت. زن صاحب اراده بود و اراده و خواست مشروعش محترم شمرده می شد. دوشیزگان در خانه پدری از همه حقوق و مزایا برخوردار بودند و پدر و مادر، بدون درخواست شان تحمیلی به آنان نمی توانستند وارد کنند. آریاهایی دیگر در آن زمان دور، به موجب اسناد و مدارکی فراوان، برای زنانشان هیچ حقوقی قابل نبودند و زن جنبه یی کاملاً اقتصادی داشت و وسیله یی بود برای تولید کودک و کارهای سنگین. در یونان و روم و هند باستانی، زنانی که چندبار دختر می زاییدند، مفلوک ترین افراد محسوب می شدند، چون

ایران زمین

هر پدری شدیداً تمایل داشت که دارای پسرانی شود، چون دختران نه ارث می بردند و نه دارای حق اولویت و هرگونه ریاستی در خانواده بودند و نه چنانکه پسران در امر تولید و اقتصاد موثر بودند، کارایی داشتند. لیکن چنان که ملاحظه شد، زنان عصر اوستایی از همه حقوق اجتماعی چون مردان برخوردار بودند. در رزم و بزم، در کار خارج و کارخانه، هم شانه مردان فعالیت می کردند و حتا موظف بودند تا در امر تبلیغ و اشاعه دین راستی نیز اقدام کنند. به همین نسبت روابط استوار خانوادگی در عصر اوستا قابل ملاحظه است، لیکن چون هر نوع اشاره و پژوهشی در امر تعلیم و تربیت، به شرحی گسترده می انجامد و مسأله را بیش از پیش گسترده خواهد کرد، از آن صرف نظر می شود.

اما با این حال جای تأسف است که پس از عصر اوستا، در اثر رویدادها و حوادثی بسیار، زنان کم کم از آن مقام برجسته خود به زیر کشیده شدند و حتا حقوق زن و مقام اجتماعی اش در عصر هخامنشی با عصر اولیه اوستایی قابل مقایسه نیست. در زمان ساسانیان با اشاره بی که در آغاز شد، زنان نیز مشمول آن انحطاط سریع شدند و نداد و ماتیکان هزار داتستان و بندهش و . . که حاصل جناح افراطی مذهب یون و موبدان متعصب و کجرو آن عصر است، نشان می دهد که مقام زن از آن شایستگی تا چه حد نزول کرده است. هرچند گروهی در صدد زنده کردن و احیای قوانین اوستایی بودند، اما با این حال در آن آشوب انحطاط، صدایشان به جایی نمی رسید. زن دیگر سرور و کدبانوی خانه نبود، تعدد زوجات و کنیزگیری شایع شد. دختران از خود اراده بی نداشتند. قوانین طلاق سست بود و دست مردان دوران انحطاط در بیداد باز. اما مع الوصف در خلال ادبیات پهلوی و اسناد دوران انحطاط، باز هم

ایران زمین

شواهدی که نشانگر وجود مصلحانی است که کوشش می کردند به نظر می
رسد.

گرفته شده از کتاب - زرتشت پیامبر ایران باستان (برای تهیه این
کتاب خواهشمندم با تلفن ۲۰۷۷-۹۸۶-۶۰۴-۱ تماس بگیرید.)